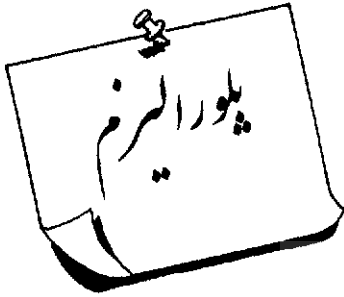


فرهنگ واژه‌ها



اکبر اسد علیزاده

رشته‌های مختلف، معنای خاص خود را دارا می‌باشد. برخی از انواع پلورالیزم عبارت است از: پلورالیزم فلسفی، اخلاقی، فرهنگی، دینی یا کلامی، سیاسی، اجتماعی و معرفتی.

فرهنگ آکسفورد، پلورالیزم را به عبارت ذیل تفسیر نموده است:

۱. زندگی در جامعه‌ای که از گروه‌های نژادی مختلف تشکیل یافته، یا گروه‌هایی که دارای زندگی سیاسی - دینی مختلف می‌باشند.

واژه پلورالیزم (Pluralism) و مشتقات آن در لغت، به معانی زیر به کار رفته است:

۱. پلورالیزم (Pluralism) به معنای: تکثر، چندگانگی، آیین کثرت، کثرت‌گرایی، چندگرایی، تعدد مقام، تعدد شغل.

۲. پلورالیست (Pluralist) به معنای: کثرت‌گرا، کثرت‌گرایانه.

۳. پلورالیتی (Plurality) به معنای: تعدد، تکثر، کثرت، چندگانگی، کثرت نسبی.^۱

و در اصطلاح، دارای معنا و مفهوم متفاوتی می‌باشد؛ به طوری که در

۱. فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، محمدرضا باطنی، واحد پژوهش فرهنگ معاصر، تهران - ایران، ۱۳۷۳، ص ۷۰۰.

پلورالیزم دینی، لازم دیدیم کمی بیشتر به این موضوع پرداخته شود.

تاریخچه پلورالیزم

«پلورالیزم» نخستین بار در حوزه‌های کلیسا به کار رفت و به اشخاصی که در کلیسا داری مناصب و مشاغل متکثری بودند، اطلاق می‌شد. گویا این اصطلاح را اولین بار «لوتسه» در سال ۱۸۴۱ میلادی در کتاب خود به نام «ما بعدالطبیعه» وارد فلسفه کرد.^۳ این اصطلاح، به عنوان «پلورالیزم دینی» در جهان مسیحی در دهه‌های اخیر، توسط «جان هیک» (متولد ۱۹۲۲ م.) طرح و ترویج شده است.^۴

موضوع و غایت پلورالیزم دینی

موضوع این بحث، بررسی دین و ابعاد و مراتب گوناگون آن است؛ به طوری

۱. فرهنگ آکسفورد، ص ۶۴۴، با استفاده از ترجمه فصلنامه کتاب نقد، سال اول، پائیز ۷۶، ش ۴، ص ۱۳۲.

۲. مجله کیان، سال پنجم، شماره ۲۸، آذر، دی و بهمن ۷۴، ص ۳۸.

۳. کسند و کساوی در سوبیه‌های پلورالیزم، محمدحسن قدردان قراملکی، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸، ص ۲۱.

۴. ر. ک: مباحث پلورالیسم دینی، جان هیک، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، ۱۳۷۸.

۲. پذیرش این اصل که گروه‌های مختلف یاد شده، می‌توانند در یک جامعه به صورت صلح‌آمیز زندگی کنند.^۱

بعضیها در معنی پلورالیزم می‌گویند: «مراد از پلورالیزم، به طور کلی، هر نظریه‌ای است که در آن اصل و ریشه امور یا عدد چیزها یا نوع آنها بیش از یکی دانسته شود و پلورالیست کسی است که کثرت یا چندگانگی را اصل قرار می‌دهد (در مقابل وحدت یا یگانگی) و از این رو، می‌توان او را «کثرت‌گرا» یا «چندگانه‌گرا» خواند.^۲

اینها نمونه‌ای از تعریفهایی است که در مورد پلورالیزم در نوشته‌ها دیده می‌شود.

ولی در تعریف دیگر، می‌توان گفت: «پلورالیزم» عبارت است از: گرایش به تکثر و تعدد و پذیرش اصل کثرت در جامعه؛ به این معنی که گروه‌های مختلف دارای زندگی سیاسی و دینی متفاوت، می‌توانند در یک جامعه به صورت صلح‌آمیز زندگی کنند.

در میان انواع پلورالیزم، پلورالیزم دینی بیش از همه مورد توجه و تحقیق و بررسی است؛ لذا به جهت اهمیت بحث

جان هیک (۱۹۲۲ م.) اندیشمند مسیحی معاصر که از طرفداران این نظریه است، چنین می‌گوید:

«ادیان مختلف، جریانهای متفاوت تجربه دینی هستند که هر یک در مقطع متفاوتی در تاریخ بشر آغاز گردیده و هر یک خود آگاهی عقلی خود را درون یک فضای فرهنگی متفاوت باز یافته است.»^۲

«واژه «مطلق» به عنوان یک وسیله یا ابزار اندازه‌گیری دقیق به کار گرفته نمی‌شود، بلکه معانی عملی و کاربردی آن در مورد مصرفش که در حقیقت متنوع می‌باشد، آشکار می‌شود. به یک معنا، مطلق بودن مثلاً مسیحیت، به معنای کفایت نجات بخشی و رستگاری انجیل و طریقه پیشنهادی آن برای مسیحیان است؛ یعنی برای کسانی که حیات دینی آنان توسط آن کتاب و آن طریق تعیین می‌شود. بدین معنا، مطلق بودن مسیحیت با مطلق بودن اسلام، یا هندویسم، یا بودیسم، و یا دین یهود سازگار می‌باشد؛ چرا که همه این پیامها و راههای مختلف، برای کسانی که از نظر

که در حوزه‌های مختلف فلسفه دین، فلسفه اخلاق، حقوق و سیاست، کاربردهای متفاوتی دارد و حد مشترک تمام آنها، به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت است.

غایت آن، اثبات حقانیت برای همه ادیان و فرق است. بنابر نظر اکثر دانشمندان غرب، کثرت‌گرایی دینی بر آن است که ثابت کند ادیان گوناگون، همگی می‌توانند مایه رستگاری یا کمال نفس پیروان خود شوند؛ چنان که در «هندویسم» تصریح می‌شود که برای نیل به رهایی یا رستگاری راههای بسیاری وجود دارد.

تعریف پلورالیزم دینی

از آنجا که هر مکتبی قرائت خاصی از پلورالیزم دینی دارد، نمی‌توان برای «پلورالیزم دینی» یک تعریف جامع و مانعی بیان نمود؛ اما معنای شایع و رایج امروزی از «پلورالیزم دینی» این است که حق مطلق، نجات و رستگاری را منحصر در یک دین و مذهب و پیروی از یک شریعت و آیین ندانیم، بلکه معتقد شویم که حقیقت مطلق، مشترک میان همه ادیان است و آئینهای مختلف در واقع جلوه‌های گوناگون «حق مطلق» اند. و در نتیجه، پیروان تمام ادیان و مذاهب، به هدایت و نجات دست می‌یابند.^۱

۱. کالبد شکافی پلورالیزم دینی، علی ربانی گلپایگانی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۴، ص ۱۳۳.
 ۲. فلسفه دین، جان هیک، ترجمه بهرام راد، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۸.

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾^۴؛ «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده کرده و بر فراز [مرکبی از] نور الهی قرار گرفته، همچون سنگدلان بی نوری است که هدایت الهی بر قلبشان راه نیافته است!»

﴿رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۵؛ «و اسلام را به عنوان آیین (جاوید) برای شما پذیرفتم.»

و در آیات دیگر، قرآن کریم پس از اشاره به مجموعه‌ای از احکام شریعت اسلام، آن را به عنوان «راه راست الهی» توصیف کرده، مسلمانان را توصیه می‌کند که از آن پیروی کنند و به راهها و شرایع و ادیان دیگر دل ندهند، تا رستگار شوند؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾^۶؛ «این راه مستقیم من (راه توحید، راه حق و عدالت، راه پاکی و تقوا)

روحی و معنوی توسط این ادیان شکل گرفته و ساخته شده‌اند، از لحاظ ارائه شیوه نجات و رستگاری کافی به نظر می‌رسند.»^۱ با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت: «پلورالیزم دینی» عبارت است از اینکه: حقیقت، رستگاری، کمال نفس، منحصر در دین خاص نیست، بلکه تمام ادیان الهی، حتی تمام مکاتب بشری بهره‌ای از حقایق را دارا هستند؛ یعنی همه در صراط‌های مستقیم گام بر می‌دارند.

تحلیل و بررسی اجمالی

پلورالیزم دینی

«پلورالیزم دینی» به این معنی از دیدگاه قرآن کریم مورد قبول نبوده و مردود است؛ زیرا به نظر قرآن، دین حق و صراط مستقیم یکی بیش نیست و آن دین اسلام است و بس.

چنان که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۲؛ «هر کس غیر از اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان کاران است.»

و نیز می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَسِرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾^۳؛ «هر کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید.»

۱. مباحث پلورالیسم دینی، جان هیک، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۸۸

۲. آل عمران/ ۸۵

۳. انعام/ ۱۲۵

۴. زمر/ ۲۲

۵. مائده/ ۳

۶. انعام/ ۱۵۳

این آیه به دست آوریم؛ چرا که به خوبی می‌دانیم، آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند. حال، با توجه به تمام این نکات می‌گوییم:

در آیه فوق مسئله ایمان تکرار شده، و منظور از ایمان دومی به طوری که از سیاق استفاده می‌شود، حقیقت ایمان است و این تکرار می‌فهماند که مراد از ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ در ابتدای آیه، کسانی هستند که ایمان ظاهری دارند و به این نام و به این سمت شناخته شده‌اند. بنابراین، معنای این آیه این می‌شود: «این نامها و نام‌گذاریها که دارید، از قبیل مؤمنین، یهودیان، مسیحیان، صابئیان، اینها نزد خدا هیچ ارزشی ندارد؛ نه شما را مستحق پاداشی می‌کند، و نه از عذاب او ایمن می‌سازد.»^۱

تفسیر دیگر اینکه: اگر یهود و نصاری و مانند آنها به محتوای کتب خود عمل کنند، مسلماً به پیامبر اسلام ﷺ ایمان می‌آورند؛ چرا که بشارت ظهور او با ذکر صفات و علائم مختلف در کتابهای آنها آمده است.

یا اینکه بگوییم: آیه فوق ناظر به سؤالی است که برای بسیاری از مسلمانان در آغاز اسلام مطرح بوده است؛ آنها در

است. از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که شما را از راه خدا منحرف و پراکنده می‌کند، متابعت نکنید.»

البته شایان ذکر است که برخی با استدلال به ظاهر آیه ۶۲ سوره بقره، به زعم خود نظر اسلام را درباره پلورالیزم دینی موافق و مساعد می‌دانند. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند (مسلمانان)، و یهود و نصاری و صابئان آنها که ایمان به خدا و روز رستاخیر آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ بوده و هیچ‌گونه ترس و غمی برای آنها نیست.»

ولی با توجه به آیات یاد شده و آیات فراوان دیگر که یهود، نصاری و پیروان سایر ادیان را به سوی پذیرش آیین جدید (اسلام) دعوت می‌کند، اگر به ظاهر این آیه اکتفا کنیم و درست آن را تفسیر و توجیه نکنیم، لازم می‌آید با بخش عظیمی از آیات قرآن تضاد پیدا کند؛ در حالی که در کلام الهی هیچ‌گونه تضاد و تناقضی نیست. پس لازم است با دقت و تأمل در خود آیه و با در نظر گرفتن آیات دیگر تفسیر درست را از

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

باشند. به این معنا که در جامعه، دو فرقه در عین حال که گرایشهای خاص و متفاوت از هم دارند، به هم احترام می‌گذارند و عملاً با یکدیگر درگیر نمی‌شوند؛ مثلاً شیعه و سنی در جهان اسلام باید به مدارا و برادری با هم زندگی کنند. در عین حال که هر کس نظر خودش را صحیح و نظریه بقیه را نادرست می‌داند، در مقام عمل، برادرانه زندگی می‌کنند.

این مفهوم از پلورالیسم در قلمرو فرق اسلامی و ادیان توحیدی کاملاً مورد قبول است. ما این نوع از پلورالیسم را در بین دو فرقه از یک مذهب، بین دو مذهب از یک دین، و بین دو دین الهی پذیرفته‌ایم؛ به عنوان مثال، پیروان اسلام و مسیحیت و یهودیت برخورد فیزیکی ندارند، بلکه با احترام و ادب نسبت به هم برخورد دارند و با هم رفت و آمد دارند و تجارت می‌کنند. این پلورالیسم، به عرصه فکر و نظر ربطی ندارد. در قرآن و سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، بر روابط میان فرقه‌های مختلف مسلمانان تأکید زیادی شده است.^۲ البته تلاش فرهنگی و روشنگری از وظایف همه مسلمانان است.

فکر بودند که اگر راه حق و نجات تنها اسلام است، پس تکلیف نیاکان و پدران ما چه می‌شود؟ آیا آنها به خاطر عدم درک زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ایمان نیاوردن به او مجازات خواهند شد؟ در اینجا آیه شریفه مورد نظر نازل گردید و اعلام داشت که هر کسی در عصر خود به پیامبر بر حق و کتاب آسمانی زمان خویش ایمان آورده و عمل صالح انجام داده باشد، اهل نجات است و جای هیچ گونه نگرانی نیست.^۱

به هر تقدیر، از مجموع آیات گذشته استفاده می‌شود که دین اسلام، دین حق مطلق و پاکی و تقواست که انحراف از آن موجب گمراهی و قدم برداشتن در غیر صراط مستقیم است. با این بیان، «پلورالیزم دینی» به معنای گذشته از نظر قرآن باطل و انتخاب راه کج و گمراهی است و مبلغان آن نیز گمراهان قوم می‌باشند.

پلورالیسم و همزیستی

مسالمت‌آمیز

اگر منظور از پلورالیسم، مدارا کردن و همزیستی مسالمت‌آمیز برای جلوگیری از جنگها و نزاعها باشد، مورد قبول و تأیید است؛ یعنی اینکه باید کثرتها به عنوان واقعیت‌های اجتماعی پذیرفته شوند و مصلحت جامعه این نیست که مردم به جان هم بیفتند، بلکه باید همزیستی داشته

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲. پلورالیسم دینی، محمدتقی مصباح یزدی، فصلنامه کتاب نقد، ج ۴، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.